

## عنوان مقاله:

آموزش و پرورش اسلامی

## محل انتشار:

سومین کنگره بین المللی آموزش، مطالعات اجتماعی و فرهنگی با رویکرد آینده پژوهی (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

محمود مجلسی - فوق لیسانس الهیات، فقه و مبانی حقوق-کاردانی. مدیر دبیرستان پسرانه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری (ره) زاهدان

محدثه علی خانی - فوق لیسانس الهیات، فقه و مبانی حقوق-کاردانی. فعال فرهنگی دبیرستان دخترانه معارف زاهدان

## خلاصه مقاله:

فرایند آموزش، از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده و به باور برخی آموزش و پرورش (یا گونه ای از آن) از نظر قدمت دومین پیشه انسان ها بوده است. هیچ جامعه انسانی ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند. در جوامع بدوی، آموزش رسمی به شکل امروزی آن وجود نداشت. در واقع در تمامی فعالیت های روزمره بالغان نقش معلمان را بازی می کردند و همه جا کلاس درس بود. انباشتگی دانش در طول زمان باعث شد که یک نفر بالغ نتواند بر تمامی آن مسلط شود. راه حلی که جامعه برای این مشکل پیدا کرد آموزش به نوع رسمی بود: مدارسی تشکیل شد و متخصصینی در آن ها به گونه ای مفید به انتقال فرهنگ و دانش موجود کمک می کردند با رشد فزاینده جامعه و زیاد شدن پیچیدگی های آن، آموزش رسمی به عهده موسسات خاصی واگذار شد. به علاوه ماهیت آموزش نیز کم کم تغییر کرد: آموزش کمتر و کمتر به زندگی روزمره افراد ارتباط پیدا می کرد، انتزاعی تر شده و با عملگرایی فاصله می گرفت. دانش به صورت خیلی فشرده درآمده و این امر به دانش آموزان این توانایی را می داد که از فرهنگی که در آن به دنیا آمده اند فراتر رفته و چیزهایی را یاد بگیرند که هرگز نمی توانستند توسط تجربه مستقیم یا تقلید از افراد بالغ بیاموزند. فرایند آموزش امروزه یکی از پایه های اساسی پیشرفت جامعه ها شده است و اهمیت روزافزونی پیدا کرده است و این خود باعث این شده که کتاب ها و تحقیقات زیادی در زمینه اهداف، محتوا و نحوه بهینه تدریس انجام شود. در دوران مدرن، شاهد شکوفایی فلسفه آموزش و نظریات تعلیمی هستیم و هر آموزگار با توجه به شرایط دانش آموزان کلاس خود از شیوه های مختلف آموزشی استفاده می کند. آموزش در اسلام از ارزش زیادی برخوردار بوده است. با مسلمان شدن مردمان از نژادها و جوامع مختلف، آموزش نقش مهمی در تشکیل یک اجتماع به هم پیوسته و جهانی ایفا کرد. تا اواسط قرن نهم میلادی، تقسیم بندی مشخصی از دانش انجام شده بود: علوم به سه دسته تقسیم شده بودند: علوم اسلامی، علوم فلسفی و طبیعی و علوم ادبی هنری. علوم اسلامی به بررسی منابع اسلامی مانند قرآن، احادیث و تفاسیر این می پرداخت. علوم اسلامی از نظر فرهنگی از همه با ارزشتر به حساب می آمد؛ فلسفه و علوم طبیعی به اندازه علوم اسلامی مهم دیده می شد ولی کم فضایت تر دیده می شد. سیستم آموزش اسلامی در ابتدا تاکید زیادی روی فنون و امور عملی مانند توسعه سیستم های آبیاری، ابداعات کشاورزی، خیاطی، تولید محصولات با آهن و فولاد، محصولات چرمی، تولید کاغذ و باروت، گسترش تجارت زمینی و دریایی و ساختن اشیاء سفالی داشت. به تدریج و از قرن ۱۱ میلادی به بعد، علاقه به علوم مذهبی به صورت عمده ای جای علوم دیگر را گرفت. علوم یونانی و فلسفه دیگر تنها به صورت خصوصی و به عده کمی تدریس می شد و هنرهای ادبی به شکل عمده ای رو به کاهش نهادند. از آزادی فکری داده شده به اندیشمندان و نخبگان کاسته شد. علوم غیر دینی و بررسی های پژوهش گرایانه غیر دینی دیگر تحمل نمی شدند. این نحوه سیستم آموزشی از ازبکستان امروزی در شرق تا مصر در غرب در طول سال های ۱۰۵۰ تا ۱۲۵۰ میلادی گسترش پیدا ...

## کلمات کلیدی:

آموزش و پرورش - اسلامی - ماهیت آموزش - فلسفه آموزش - آموزش رسمی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2042176>

